

در واکنش به شایعات سیاسی، رئیس فدراسیون فوتبال با قاطعیت از غیر قابل حذف بودن ایران از جام جهانی گفت

تاج: جای مان در جام جهانی محفوظ است

بحث حذف احتمالی ایران از جام جهانی، هر قدر در فضای مجازی و برخی محافل رسانه‌ای پررنگ شده، در واقعیت فوتبال جهان جایگاهی ندارد. رئیس فدراسیون فوتبال، در واکنش به این شایعات، صریح و بی‌برده موضع گرفت و تأکید کرد چنین ادعاهایی نه مبنای حقوقی دارد و نه در چارچوب ساختار فوتبال بین‌الملل قابل تعریف است.

مهدی تاج که در گفت‌وگویی در استان کردستان به این موضوع پرداخت، ریشه این گمانه‌زنی‌ها را بیشتر سیاسی – رسانه‌ای دانست تا ورزشی. از نگاه او، جام جهانی محل تسویه‌حساب‌های سیاسی نیست و هیچ فرد، دولت یا جریانی نمی‌تواند با یک تهدید یا اظهار نظر، سرنوشت یک تیم ملی را تغییر دهد. به گفته رئیس فدراسیون فوتبال، سازوکار انتخاب تیم‌ها روشن است و حذف یا اضافه شدن کشورها، فقط از مسیر نهادهای رسمی و بر اساس قوانین مشخص انجام می‌شود؛ نه با فشار رسانه‌ای و هیاهوی سیاسی.

در کنار این موضع‌گیری، تاج به وضعیت فنی تیم ملی نیز اشاره کرد؛ وضعیتی که برخلاف فضای شایعه‌محور بیرون، از درون آرام و متمرکز توصیف می‌شود. او تأکید کرد کادر فنی و بازیکنان بدون حاشیه، برنامه‌های آماده‌سازی را دنبال می‌کنند و تمرکز تیم، صرفاً روی فوتبال است. از نگاه رئیس فدراسیون، مهم‌ترین سرمایه تیم ملی در آستانه رقابت‌های بزرگ، آرامش و انسجام است؛ چیزی که با شایعه و تهدید از بین نمی‌رود. یکی دیگر از محورهای صحبت‌های تاج، موضوع محل اردو و کمپ تمرینی تیم ملی بود؛ مساله‌ای که در هفته‌های اخیر با اما و اگرهای زیادی همراه شده است. او توضیح داد کمپیی که در ابتدا مدنظر قرار داشت، با وجود تأیید اولیه، از نظر فاصله تا محل مسابقات گزینه ایده‌آلی نبود و به همین دلیل، فدراسیون بدون هیاهو سرآغ گزینه جایگزین رفته است. به گفته او، این تغییر نه از سر اجبار، بلکه برای پهبود شرایط بازیکنان انجام و تمام تصمیم‌ها در هماهنگی با نهادهای ذی‌ربط اتخاذ شده است.

رئیس فدراسیون فوتبال بار دیگر تأکید کرد هدف اصلی، فراهم کردن بهترین شرایط ممکن برای تیم ملی است؛ از امکانات تمرینی گرفته تا برنامه‌ریزی سفر و آماده‌سازی تاکتیکی. او شایعات سیاسی را «صدای بیرون زمین» توصیف کرد؛ صلاهایی که نه‌وارد رختکن می‌شود و نه بر تصمیم‌های فنی اثر می‌گذارد.

در پایان، پیام تاج روشن بود: تیم ملی ایران، نماینده فوتبال کشور در بزرگ‌ترین آوردگاه جهانی است و با تمام توان در این مسیر قدم برمی‌دارد. او از هواداران خواست به حاشیه‌ها توجه نکرده و مطمئن باشند مسیر حضور ایران در جام جهانی، از زمین فوتبال می‌گذرد؛ نه از اتاق‌های خبر و تهدیدهای بیرونی.

اخبار

استقلال خواهان برگزاری بازی‌های خانگی‌اش در ورزشگاه آزادی شد

باشگاه استقلال در نظر دارد مسابقات خانگی خود را در ورزشگاه آزادی تهران برگزار کند.

به گزارش تسنیم، استقلال ۲ دیدار خانگی خود در لیگ مقابل تراکتور تبریز و استقلال خوزستان و همچنین بازی برابر فولاد هرمزگان در جام حذفی را در ورزشگاه شهید تعمیری یزد برگزار کرد. از همین رو یکی از برنامه‌های روزهای اخیر مدیران باشگاه استقلال فراهم کردن زمین مناسب برای برگزاری بازی‌های خانگی آبی‌پوشان است.

مسئولان استقلال اخیراً بازدیدی از ورزشگاه آزادی داشتند و متوجه شدند اگر چه هنوز کار بازسازی ورزشگاه به پایان نرسیده اما شرایط برگزاری مسابقه را دارد. در همین راستا، علی تاج‌رئیس، سرپرست باشگاه استقلال و رئیس هیات مدیره این باشگاه روز پنجشنبه به دیدار احمد دنیامالی رقت و ضمن تشکر از پیگیری‌های وزیر ورزش برای بازسازی ورزشگاه آزادی خواهان برگزاری مسابقات خانگی آبی‌پوشان در ورزشگاه آزادی شد. مکتوبات مربوط به این کار نیز از سوی باشگاه استقلال انجام شده و با توجه به شرایط مطلوب چمن ورزشگاه آزادی، آبی‌پوشان امیدوارند هر چه سریع‌تر مجوز برگزاری بازی‌های خانگی خود در ورزشگاه آزادی را بگیرند.

■ ■ ■

دلیل عصبانیت بنزما از سعودی‌ها

کریم بنزما از سبران باشگاه الاتحاد عصبانی است و حتی حاضر نشد در دیدار برابر الفتح تیم را همراهی کند. به گزارش اسپسنا، کریم بنزما بعد از جدایی از رئال مادرید تصمیم گرفت راهی لیگ عربستان شود تا پیراهن الاتحاد را بر تن کند.

این ستاره فرانسوی سومین فصل حضورش را با تیم عربستانی پشت سر می‌گذارد. طبق اعلام رسانه‌های عربستان، بنزما با سران باشگاه الاتحاد به مشکل خورده و همین باعث شده ادامه حضور او در این تیم در هاله‌ای از ابهام باشد.

در گزارش‌های جدید فاش شده دلیل بحران پیش‌آمده بین کریم بنزما و مدیریت باشگاه الاتحاد که موجب شد این بازیکن از شرکت در مسابقه تیمش برابر الفتح امتناع کند، به مشکلات مربوط به قرارداد او با باشگاه برمی‌گردد.

بنزما که ۲۸ ساله است قراردادی با باشگاه الاتحاد دارد که تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۶ ادامه خواهد داشت. او وارد دوره آزاد خود در ژانویه جاری شده که به او این امکان را می‌دهد تا با هر باشگاه دیگری به توافق برسد.

براساس گزارش رسانه‌های فرانسه، بنزما از پیشنهادی که مدیریت الاتحاد برای تمدید قراردادش ارائه کرده، رضایت ندارد. این گزارش‌ها به این نکته اشاره دارند که وضعیت همچنان به این بازیکن فرانسوی و باشگاه الاتحاد «تنش‌زا» باقی مانده و امتناع بنزما از شرکت در بازی، پیمایی قوی به مدیریت باشگاه است.

هواداران پرسپولیس درباره اوسمار و کارایی‌اش به شک و تردید افتاده‌اند

زنگ هشدار



حساب‌شده از پرسپولیس ارائه دهد؛ مربی‌ای که بدون هیاهو، بدون زست‌های افراق‌شده و بدون جنگ‌های رسانه‌ای، مسیرش را می‌رود و نتیجه می‌گیرد اما حالا، بعد از حذف از جام حذفی و ۲ شکست در ۳ بازی اخیر، همان تصویر باثبات، ترک‌های ریزی برداشته که در گفت‌وگویی در استان کردستان

این نوشته، نه بی‌بنیابه علیه اوسمار است و نه تلاش برای زیر سؤال بردن کلیت انتخاب او. هنوز هم در باشگاه و میان بخش بزرگی از بدنه هواداری، اجماع قابل توجهی درباره درستی سپردن نیمکت پرسپولیس به سرمربی برزیلی وجود دارد. حتی کسب عنوان بهترین سرمربی ماه نیز نشانه‌ای از همین نگاه مثبت است اما خاصیت نیمکت تیم‌های بزرگ، این است که هیچ موفقیتی ذخیره نمی‌شود و هر لغزش تازه، پرونده‌ای جدید باز می‌کند.

■ شروعی که دیگر درخشان نیست

پرسپولیس اوسمار، فصل را با بردهایی آغاز کرد که شاید از نظر زیبایی‌شناسی خیره‌کننده نبودند اما در جدول کار را جلو می‌بردند. بردهای کم‌گل، مدیریت‌شده و اصطلاحاً اقتصادی، همان چیزی که در کورس قهرمانی، اغلب از فوتبال چشم‌نواز مهم‌تر است اما با ورود به نیم‌فصل دوم، همان تیم کم‌اشتباه، از ریتم خارج شد.

به‌جز دیدار هفته گذشته مقابل سپاهان، پرسپولیس در ۲ بازی دیگر نیم‌فصل دوم، نه‌تنها مترتری محسوس‌ی نداشت، بلکه در مقطعی کاملاً سردرگم نشان داد. این افت، بیش از آنکه محصول بدشانسی باشد، نشانه‌ای از مشکلات ساختاری است؛ مشکلاتی که حالا دیگر فقط در حد زمزمه نیست و خودش را در نتایج نشان می‌دهد.

شکست مقابل فولاد در اهواز، یکی از همان بازی‌هایی بود که آمار و تصویر، هر ۲ علیه پرسپولیس شهادت دادند. تیمی که در نیم‌فصل اول به‌سختی گل می‌خورد، در یک مسابقه ۳ بار دروازش باز شده؛ آن هم مقابل تیمی که تا پیش از این، یکی از ضعیف‌ترین خطوط هجومی لیگ را داشت. این تضاد، اتفاقی نیست.



یکی از معضلات جدی پرسپولیس در هفته‌های اخیر، حجم بالای نفوذه‌ها و ارسال‌هایی است که از جناح چپ خط دفاع این تیم شکل می‌گیرد؛ نقطه‌ضعفی که بارها به پاشنه آشیل سرخ‌ها تبدیل شده و امتیازهای مهمی را از آنها گرفته است. از ابتدای فصل، وحید هاشمیان به عنوان سرمربی، هیچ‌گاه رضایت کامل از عملکرد میلاد محمدی نداشت و به دنبال راه‌حلی برای این پست بود. در این مسیر، گزینه‌های مختلفی امتحان شدند؛ حتی فرشاد احمدزاده هم به طور مقطعی در این نقش قرار گرفت اما هیچ‌کدام نتوانستند مشکل را به‌صورت ریشه‌ای حل کنند.



ماجراجویی که اخیراً با برچسب «خبر ورزشی» از سوی یک شبکه تلویزیونی تئوریستی ضدایرانی دست‌به‌دست می‌شود، در واقع هیچ نسبیتی با حقیقت ندارد.

آنچه شبکه اینترنت‌نشان منتشر کرده، ادامه همان خط رسانه‌ای آشنایی است که سال‌هاست با هدف ساخت روایت‌های احساسی، ملتهب و جعلی دنبال می‌شود؛ روایتی که این‌بار، به‌جای خیابان و سیاست، زمین ورزش را نشانه گرفته است.

در تازه‌ترین سناریو، اینترنت‌نشان مدعی شد رئیس هیات بوکس شهرستان پلدختر پس از بازدیداش، تحت شکنجه جان باخته است؛ ادعایی سنگین، بدون سند و کاملاً مغایر واقعیت.



آنچه این روزها در استقلال جریان دارد، صرفاً یک اختلاف سلیقه ساده نیست؛ یک رویکرد مدیریتی است که ماجرا پیچیده‌تر، چندلایه‌تر و به‌مراتب عمیق‌تر از آن است که در نشست‌های خبری یا چند جمله

اعتراضی پس از مسابقه خلاصه شود. استقلال این فصل، با وجود تمام نوسانات فنی، هنوز روی کاغذ تیمی مدعی است؛ در لیگ برتر نفس به نفس رقبا پیش می‌رود، در جام حذفی همچنان زنده است و در آسیا هم با عبور از مسیر پرسنگلاخ، خود را به مرحله حذفی رسانده اما پشت این ظاهر نسبتاً قابل قبول، شکافی در حال عمیق‌تر شدن است؛ شکافی میان مدیریت و ریکاردو ساپینتو. ساپینتو، مربی پرتغالی‌ای که در مقطعی تا آستانه خروج پیش رفت، حالا در موقعیتی ایستاده که دیگر احساس ناامنی نمی‌کند. برد در بازی‌های بزرگ، بویژه نتیجه‌ای که در اصفهان مقابل سپاهان به دست آمد، جای پای او را محکم کرد. همین تثبیت نسبی، سرمربی استقلال را به نقطه‌ای رسانده که بدون ملاحظه، حرفش را می‌زند؛ حتی اگر مخاطب مستقیم این حرف‌ها باشگاه باشد.

نخستین نشانه علنی این تنش، بعد از مسابقه استقلال و تراکتور در یزد بروز کرد. ساپینتو با لحنی یحقی و گلایه‌آمیز، از قطع ارتباط کامل تاجرنیا با خود سخن گفت؛ ۲ هفته سکوت، بدون تملس، بدون حتی یک پیام احوال‌پرسی. کنایه‌ای که وقتی با اشاره او به تماس مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال همراه شد،

■ فروریختن دیوار دفاع

دفاع پرسپولیس، در هفته‌های ابتدایی فصل، شبیه یک سازه بتنی بود؛ کم‌ریسک، منظم و قابل اتکا اما در نیم‌فصل دوم، این دیوار ترک برداشته است. دریافت ۶ گل در ۳ مسابقه اخیر، فقط یک عدد نیست؛ نشانه‌ای است از به‌هم‌ریختگی، ناهماهنگی، افت تمرکز و شاید هم فرسودگی ذهنی.

فولاد با کمترین زحمت، به فضاهایی دست یافت که پیش از این، عبور از آنها برای رقبا تقریباً غیرممکن بود. خط دفاع پرسپولیس نه در پوشش عمقی موفق بود، نه در واکنش به تغییر ریتم حریف، وقتی تیمی که ۷ گل در کل فصل زده، ناگهان ۳ بار دروازه‌ات را باز می‌کند، دیگر نمی‌شود همه چیز را به جزئیات یا اشتباهات فردی تقلیل داد.

اوسمار هنوز پاسخ روشنی برای این افت دفاعی ارائه نکرده؛ مساله‌ای که اگر زودتر حل نشود، می‌تواند تمام پروژه فصل را

اوسمار برای اصلاح دفاع چپ دیگر دستش بسته نیست

فرست به‌فرزین

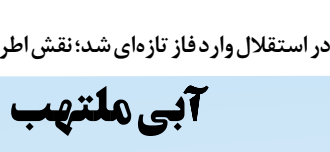
با حضور اوسمار ویرا روی نیمکت، شرایط تا حدی تغییر کرد. میلاد محمدی در فاز هجومی پیشرفت محسوس‌ی نشان داد و مشارکتش در حملات افزایش یافت اما در بخش دفاع همچنان ایران‌های قدیمی دیده می‌شود؛ ضعف در نبردهای هوایی، جاگیری نادرست در محوطه جریمه و پیش‌بینی نچندان دقیق مسیر توپ، مسائلی نیست که بتوان به سادگی از کنارشان گذشت. این نقص‌ها، بویژه مقابل تیم‌هایی که بازی‌شان بر ارسال از کناره‌ها بنا شده، پرسپولیس را بارها به درسر انداخته است. تفاوت مهم نیم‌فصل دوم با نیم‌فصل نخست اما در یک نکته کلیدی خلاصه می‌شود: حالا پرسپولیس گزینه جایگزین دارد. جذب فرزین معامله‌گری در پنجره زمستانی، یک مدافع چپ جوان و آینده‌دار را در اختیار کادر فنی قرار داده؛ بازیکنی که در تیم شمس‌آذر و همچنین تیمهلی



پاسخگویی.

نکته مهم این است که انتخاب ورزش به عنوان بستر این

دروغ‌پردازی، اتفاقی نیست. آنها این روزها از بین جان‌باختگان اتفاقات اخیر، سعی می‌کنند خیلی‌ها را به زور ورزشکار معرفی کنند.



رنگ و بوی جدی‌تری گرفت. پیام روشن و منطقی بود: «وقتی رئیس فدراسیون پیگیر است، چرا مدیر باشگاه نیست؟»

این گلایه، پایان ماجرا نبود. چندروز بعد پس از دیدار با استقلال خوزستان، ادبیات سرمربی پرتغالی تندتر شد. این‌بار موضوع فقط بی‌توجهی مدیریتی نبود؛ ساپینتو مستقیماً به‌دخالت در امور فنی اعتراض کرد. حضور علی تاجرنیا در رختکن تیم، آن هم بین ۲ نیمه و بدون هماهنگی با کادر فنی، خط قرمزی بود که این‌نگاه سرمربی شکسته شد. در کنار آن، مشکلات زیرساختی، بی‌نظمی‌های قراردادی و بلاتکلیفی بازیکن مهمی مثل دیدیه آندونگ، به فهرست انتقادات اضافه شد. در سویی مقابل، تاجرنیا تلاش کرد آتش را خاموش کند. او در مصاحبه‌ای کوتاه، از سرمربی حمایت کرد و سپس در فضای مجازی توضیح داد حضورش در رختکن، نه از سر دخالت، بلکه ناشی از «گرانی» بوده است اما واقعیت پشت پرده، روایت دیگری دارد. پیگیری‌ها نشان می‌دهد تاجرنیا در آن دقایق، بازیکنان را در جریان نتایج رقبا گذاشته و با اشاره به پیروزی تراکتور مقابل الوهمینیوم، از لزوم کسب برد سخن گفته است. رفتاری که شاید

■ وقتی ارونوف خاموش می‌شود

یکی از ستون‌های اصلی فوتبال پرسپولیس در هفته‌های اخیر، اوستون ارونوف بوده؛ بازیکنی که با تحرک، سرعت و جسارتش، گره‌های زیادی را باز کرده است. فولاد اما خوبی می‌دانست اگر این مهره را از جریان بازی خارج کند، نیمی از توان هجومی پرسپولیس را مهار کرده است.

برخلاف تصور، مأموریت مهر ارونوف فقط به رامین رضاییان سپرده نشده بود. فولاد در تمریناتش، دفاع منطقه‌ای مقابل این ستاره ازبک را تمرین کرده و در زمین، دقیقاً همان را اجرا کرد. نتیجه؟ ارونوف به‌ندرت توانست در فضاهای همیشگی‌اش توپ‌گیری کند یا برتری عددی بسازد.

در کنار او، سروش رفیعی نیز – که شاید مهم‌ترین مغز متفکر پرسپولیس در دوران اوسمار بوده – از کار افتاد. ارسال‌های پشت



فوتبال امید نشان داده از هوش تدافعی، تمرکز و درک تاکتیکی بالایی برخوردار است. برخلاف میلاد محمدی، نقطه قوت اصلی معامله‌گری در فاز دفاعی است؛ جایی که پرسپولیس بیش از هر زمان دیگری به ثبات نیاز دارد. شاید زمان آن رسیده که اوسمار ویرا کمی جسورتر تصمیم بگیرد. میدان دادن به فرزین معامله‌گری نه‌تنها می‌تواند بخشی از ضعف تدافعی تیم را پوشش دهد، بلکه ممکن است به رقابتی سالم منجر شود و سطح فنی محمدی را هم ارتقا دهد. پرسپولیس اگر می‌خواهد در کورس قهرمانی بماند و در هفته‌های پایانی حسرت امتیازهای از دست‌رفته را نخورد، باید همین امروز برای ترمیم این نقطه ضعف اقدام کند؛ شاید اعتماد به یک جوان، همان تصمیم عقلانه‌ای باشد که سرنوشت فصل را تغییر می‌دهد.

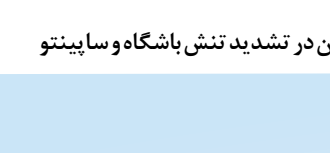


ادعای جعلی درباره مرگ یک مدیر ورزشی محلی، نمونه تازه‌ای از سناریوی کشته‌سازی اینترنت‌نشان

پمپاژ دروغ با رنگ و بوی ورزشی

کرده تصویری سیاه و خشن در فضای داخلی ایران ترسیم کند. الگویی که پیش‌تر نیز بارها تکرار شده؛ ابتدا یک خبر شوکه‌کننده، سپس موج‌سازی در شبکه‌های اجتماعی و در نهایت، عقب‌نشینی بی‌سر و صدا یا رها کردن روایت بدون

نکته مهم این است که انتخاب ورزش به عنوان بستر این دروغ‌پردازی، اتفاقی نیست. آنها این روزها از بین جان‌باختگان اتفاقات اخیر، سعی می‌کنند خیلی‌ها را به زور ورزشکار معرفی کنند.



دفاع که در هفته‌های گذشته یکی از ابزارهای محبوب سرمربی برزیلی بود، مقابل فولاد بی‌اثر شد. خروج همزمان ارونوف و سروش، چه به دلیل مصدومیت و چه ملاحظات فنی، عملاً پرسپولیس را از ۲ بازوی خلاقش محروم کرد.

■ تعویض‌هایی که معادله را عوض نکرد

اوسمار در مقایسه با بسیاری از مربیان لیگ، جسارت بیشتری در تعویض‌های زودهنگام دارد؛ ویژگی‌ای که گاهی امتیاز است و گاهی ریسک. در بازی اهواز اما، ریسک جواب نداد. تغییر سیستم به ۳ دفاعه و ورود بازیکنان جانشین، نه‌تنها گرهی باز نکرد، بلکه جریان بازی را پیچیده‌تر کرد.

بیرون کشیدن سروش رفیعی، تصمیمی بود که حتی موافقان اوسمار را هم به فکر فروبرد.

نیمه دوم پرسپولیس تقریباً هیچ راهی برای نفوذ از عمق نداشت و ناچار شد بازی را به کناره‌ها ببرد؛ دقیقاً همان مسیری که فولاد پرایش برنامه داشت. تراکم نفرات فولاد در کناره‌ها، هر تلاش پرسپولیس را خنثی می‌کرد.

ورود امیرحسین محمودی به جای امید عالیشاه هم از آن تصمیم‌هایی بود که در تئوری جذاب به نظر می‌رسید اما در عمل، تأثیر تعیین‌کننده‌ای نداشت. محمودی شروع بدی نداشت اما هر چه بازی جلوتر رفت، در موج مسابقه حل شد و نتوانست نقش متفاوتی ایفا کند.

در خط حمله نیز علی علیپور، دیگر آن مهاجم مؤثر هفته‌های ابتدایی نیست. افت محسوس او، همزمان با کاهش خلق موقعیت تیم، زنگ خطر دیگری است که نمی‌شود نادیده‌اش گرفت.

پرسپولیس هنوز از کورس قهرمانی خارج نشده. نزدیکی امتیازات در بالای جدول و درگیری استقلال، تراکتور و سپاهان با مسابقات آسیایی، شرایطی فراهم کرده که اوسمار همچنان شانس اصلاح مسیر را دارد. ۱۲ بازی باقی‌مانده، فرصت کمی نیست.

اما شکست مقابل فجر شهید سپاسی و فولاد – تیم‌هایی خارج از دایره مدعیان – پیام روشنی دارد: اگر مشکلات قلب خط دفاع ترمیم نشود، اگر وابستگی بیش از حد به ارونوف ادامه پیدا کند و اگر از عمق اسکودا استفاده بهتری نشود، موج انتقادات تندتر خواهد شد.

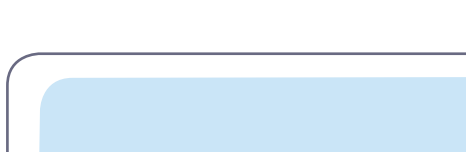
جدول شاید هنوز ساده باشد اما حس عمومی اطراف پرسپولیس، دیگر آن اطمینان هفته‌های اول را ندارد و این، همان لحظه‌ای است که مربی باید نشان دهد ساعتش با زمان فوتبال ایران تنظیم است یا نه.



■ اما چرا ورزش برای‌شان مهم است؟

ورزش، بویژه در شهرستان‌ها، یکی از حوزه‌هایی است که سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در آن پرقدتر نفس می‌کشد. ضربه زدن به این حوزه، به معنای هدف گرفتن همان اعتماد است. این نخستین بار نیست که شبکه ضدایرانی اینترنت‌نشان پروژه «کشته‌سازی» را اجرا می‌کند و بعد است آخرین‌بار هم باشد. تفاوت این پرونده با موارد پیشین، فقط در زمین بازی است؛ تحریف دیروز سیاست، امروز ورزش اما شیوه کار همان است: تحریف زمان، حذف واقعیات پزشکی و جایگزینی آن با داستانی احساسی و تحریک‌آمیز.

در نهایت، آنچه باقی می‌ماند نه یک افشاگری، بلکه یک دروغ سازمان‌یافته است؛ دروغی که این بار، به پهای بازی با نام یک مدیر ورزشی فقید و احساسات خانواده و جامعه محلی تمام شده.



است که حتی طرح حضور میرطهری در ساختار مدیریتی سازمان فوتبال استقلال هم فعلاً سکوت مانده.

حامد میرطهری در حال حاضر مسؤولیت مهمی در آکادمی استقلال دارد؛ مدیریت آموزش، استعدادیابی و هماهنگی مدارس فوتبال حوزه‌ای که مستقیماً با آینده باشگاه گره خورده و همین مساله، وزن او را در معادلات داخلی افزایش داده است. از آن سو، ساپینتو احساس می‌کند حلقه‌ای در اطراف مدیریت شکل گرفته که نه‌تنها همسوا با او نیست، بلکه در مواردی به‌دنبال محدود کردن اختیارات فنی سرمربی است.

حاصل این تضادها، فضایی متشنج در باشگاهی است که بیش از هر چیز به آرامش نیاز دارد. شنیده‌ها حاکی از آن است یکی از راهکارهای پیشنهادی برای کاهش تنش، فاصله گرفتن تاجرنیا از امور اجرایی روزمره و تمرکز او بر نقش رئیس هیات‌مدیره است. تصمیمی که شاید بتواند خط تماس مستقیم مدیر و مربی را کم‌رنگ‌تر کند اما آیا این ایده عملی خواهد شد؟ پاسخ این پرسش، به روزهای آینده گره خورده است.

آنچه تردیدی در آن نیست، این است که رابطه تاجرنیا و ساپینتو دیگر شبیه روزهای آغاز همکاری نیست.

اعتماد اولیه جای خود را به سوءظن داده و نقش اطرافیان، در شعله‌ور شدن این آتش، انکار‌ناپذیر است. استقلال، اگر قرار است در کورس قهرمانی دوام بیاورد، بیش از هر چیز باید این جنگ سرد داخلی را مدیریت کند؛ چرا که تجربه نشان داده هیچ تیمی با شکاف در رأس هرم تصمیم‌گیری، به مقصد نخواهد رسید.